

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

دیپلومات: الحاج صالح سلیمه عابد پیمان سویدن



Ketabton.com



۱۳۹۴

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

بسم الله الرحمن الرحيم ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

قبله:

قبله، از جمله نشانه توحید در ادیان ابرهیمی بشمار رفته، و قبله نوعی از امتیازی است که سایر ادیان غیر ابرهیمی از آن محروم میباشند. به عبارۀ ساده باید گفت که قبله به عبادت انسانها رنگ خدایی و افتخار بزرگ برای امت اسلام است که دارایی دو قبله بودند.

خداوند متعال برای هر امتی از امتهای پیشین، قبله مخصوصی را تعیین کرده است تا به هنگام نیاز و نیایش، به سوی او متوجه شوند و از توجهات انحرافی در امان بمانند.

اولین قبله در تاریخ بشریت و بخصوص در ادیان ابرهیمی بیت المقدس بوده. بیت المقدس، یکی از مقدسترین مکانهایی بعد از مسجد کعبه و مسجد نبوی میباشد.

مسجد الاقصی بحیث اولین قبله و سومین محل مقدس برای مسلمانان بشمار میرود.

مطابق روایات تاریخی مسجد الاقصی دومین مسجد ساخته شده بر روی زمین پس از بیت الله الحرام محسوب می شود.

مؤرخین مینویسند، که تهاداب مسجد الاقصی را حضرت آدم (ع) گذاشته است.

«قبله» به معنی «جهت» است و به این نام نامیده می شود، زیرا نمازگزار در مقابل آن ایستاده میشود.

در حدیثی از حضرت براء روایت شده است: «با پیامبر صلی الله علیه و سلم شانزده ماه یا هفده ماه به سوی بیت المقدس نماز گزاردیم سپس رو سوی کعبه گردانیدیم». (مسلم)

ناگفته نباید گذاشت که: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم، در ابتدا با در نظر داشت اینکه به سوی بیت المقدس نماز میخواند ولی (به علت تعلق خاطرش به کعبه) طوری میایستاد که کعبه نیز پیش روی ایشان قرار میگرفت تا اینکه آیه 144 سوره بقره نازل گردید: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (سوره بقره / 144).

«ما رو گرداندن تو را گاه گاهی به سوی آسمان میبینیم (و آرزوی قلبی تو را برای نزول وحی جهت تغییر قبله، دریافت میداریم) پس تو را به سوی قبلهای متوجه میسازیم که از آن خوشنود خواهی شد و لذا رو به سوی مسجدالحرام کن. (سوره بقره / 144)».

پس از نزول این آیه، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم رو به کعبه نمود. چنانکه گروهی از مسلمانان (بیخبر از تغییر قبله) در مسجد قباء در حال ادای نماز فجر بودند ناگهان مردی بر آنان وارد شد و اطلاع داد که دیشب، بر پیامبر صلی الله علیه و سلم، وحی شده است که رو به سوی کعبه کند، آنها (بدون اینکه نماز خود را از سر بگیرند) در همان حال، از بیت المقدس روی برگشتاندن و به اتفاق امام خویش، رو به کعبه نمودند (متفق علیه).

بعد از آن که قبله تغییر یافت و مسلمانان مأور شدند که به سوی کعبه نماز بگزارند.

روی گردانیدن بسوی قبله در نماز واجب، و در صورتیکه ساقط گردد، نماز از لحاظ شرع اسلامی درست نبوده و فاقد اعتبار شرعی میباشد.

علماء میگویند: انسان، دارای جنبه مادی و ظاهری، و هم دارای جنبه معنوی و باطنی است بناً زمانیکه انسان میخواهد رویروی قبله ایستاده شود، باید توجه به قبله در وجود نمازگزار هم در بعد ظاهری و مادی (توجه به جهت قبله)، و هم در بعد باطنی و معنوی (توجه به وجه)، هر دو باید تحقق پیدا کند. بناً نمازگزار در توجه به قبله، هم باید متوجه قبله ظاهر، و هم متوجه قبله باطن شود، و با تمام توجه و اهتمام ادای نماز خویش را بجا آورد.

دانشمند شهیر جهان ویلیام مولتن می گوید:

بهترین راهی که توجه و التفات را در انسان زیاد می سازد و او را از لحاظ جسمی و روحی بسوی سلامتی می برد این است که فکر و جسم هر دو باهم کار کنند. و می بینیم که نماز در اسلام چنان عبادتی که از عمل فکر و جسم با هم یکجا میشود، بخاطر آنکه زمانی که نماز گزار در حالی که تمام افکار و توجهش به خداست به رکوع و سجود و قیام و قعود می پردازد.

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

پروردگار با عظمت ما به مسلمان هدایت نموده میفرماید: « قَوْلٍ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُمَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ » (سوره بقره : 150) (واز هر جا که بیرون رفتی) رو به سوی مسجدالحرام کن و (ای مؤمنان چه در سفر و چه در حضر در همه اقطار زمین به هنگام نماز) هر جا که بودید روبه سوی آن کنید. همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم به مردی که نمازش را خوب نمی خواند (مسی الصلاة) فرمود: « إذا قمت إلى الصلاة فأسبغ الوضوء ثم استقبل القبلة ... الحديث » (هرگاه خواستی نماز بخوانی به خوبی وضوء بگیر سپس رو به قبله کن...). (متفق علیه: بخاری (6251)، مسلم (397)). هم آیه قرآنی و هم حدیث پیامبر اسلام دلالت بر این امر دارد، یعنی روی کردن به سوی قبله در هنگام نماز واجب است، بنابراین کسی که این واجب را بجا نیاورد نمازش باطل است مگر اینکه همانطور که گفته شد شخص در بیابان یا صحرائی باشد که توانایی یافتن سمت واقعی قبله را نداشته باشد و اگر کسی برای پیدا کردن قبله تلاش کرد و نمازش را به جهتی که به گمانش قبله بود خواند و بعداً برایش روشن شد که (در پیدا کردن قبله) دچار اشتباه شده است، تکرار نماز بر او لازم نیست.

علل ممکنه در تغییر قبله:

قبل از همه باید روشن ساخت که دلیل وجوب این و یا آن امر عبادتی در شرع غرای محمدی همان احکام و نصوص الهی است که در قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم آمده، علما و فقهای مجتهد آنرا ازین متن استنباط و دفتوی خویش ذکر نموده اند و ما برای تمسک به این آیات قرآنی و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن استفاده برده و مطابق احکام شریعت غرای محمدی (ص) خود را عیار میسازیم. برای این امر و اجرا این اوامر ما به دلیل منطقی ضرورت نداریم بلکه همان نص و هدایت اسلامی برای ما اساس است. اما بخش از علماء به جوانب منطقی و عقلی این مسایل نیز پرداخته که به هیچ صورت در اصل هدایت و حکم منافات ندارد و در تقابل نمی باشد. به این ترتیب بخش از علماء در مورد علل ممکنه قبله مسلمانان را به بیت المقدس و تغییر دوباره آن را به کعبه ذیلاً بر شمرده اند:

- خانه کعبه در آن زمان بحیث محل به اصطلاح بتخانه مشرکان مبدل گردیده بود، بنا برای پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داده شد تا به سوی بیت المقدس نماز خویش را بجاء آرند، و به این ترتیب صفوف خویش را از مشرکان جدا کنند.

مؤرخین مینویسند که پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدت سیزده سال در مکه به سوی بیت المقدس نماز خواند، و زمانیکه به شهر مدینه هجرت کردند، باز هم دستور پروردگار با عظمت همین بود که نمازهای خویش کما فی سابق بطرف بیت المقدس اداء نماید. بیت المقدس قبله ای بود که یهودان نیز بسوی آن نماز می گزارند. نباید فراموش کرد که پیروان دین مقدس اسلام اولین پیروان از ادیان ابراهیمی بودند که دارای دو قبله بودند و بسوی دو قبله نماز بجاء آورده اند.

موجودیت قبله مشترک بین یهودان و مسلمانان، مشکلات و سرخوردگی‌هایی زیادی را برای مسلمانان به همراه داشت. یهودیان این تبعیت از خود را بر مسلمانان طعنه می‌زدند و این امر موجب حزن و پریشانی مسلمانان می‌شد. نباید فراموش کرد که قبله در هر دینی امری بسیار حیاتی و مهم به حساب می‌آمد و مسلمانان نیز از این قاعده مجزا نبودند. وجود یک قبله مستقل برای مسلمانان و شخصی پیامبر صلی الله علیه وسلم اهمیت فراوانی داشت. اما امر و هدایت الهی همان بود که پیامبر و مسلمانان آنرا رعایت نموده و مطابق به آن عمل میکردند تا اینکه به این خواست قلب پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم و مسلمان پروردگار با عظمت امر و هدایت تغییر قبله را صادر کرد.

«ما رو گرداندن تو را گاه گاهی به سوی آسمان میبینیم (و آرزوی قلبی تو را برای نزول وحی جهت تغییر قبله، دریافت میداریم) پس تو را به سوی قبله‌های متوجه میسازیم که از آن خشنود خواهی شد و لذا رو به سوی مسجدالحرام کن- (سوره بقره / 144)».

وقتی امروز میلیون‌ها انسان مسلمان رو به یک قبله مشترک نماز می‌گزارند، از اهمیت حکم تغییر قبله و تعیین کعبه به عنوان قبله مسلمانان پرده برمی‌دارد.

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

خواننده محترم!

ظوریکه در فوق یاد آور شدیم، بعد از اینکه جمعیت مسلمانان در مدینه منوره رو به افزایش گرفت، سیستم و زندگی مسلمانان در مدینه آهسته آهسته رونق خاصی بخود گرفت، این پیشرفت و ایجاد نظم خاص در بین زندگی مسلمانان، تحت زعامت پیامبر صلی الله علیه وسلم، موجب تشویش جامعه یهودان مسکن گزین در شهر مدینه میشود، و انتظار نداشتند که پیامبر صلی الله علیه وسلم به این سادگی و آنهم در دیار مسافرت و هجرت، این نظم عالی را ایجاد و بدست آرند. بناً از راه ها و طروق مختلفی دست به کار شدند تا زندگی صلح آمیز مسلمانان را تحت بهانه های مختلفی مختل سازند. جامعه یهودی با در پیش گرفتن پلان های شیطانی دست بکار شدند، و شعار های تبلیغاتی علیه اعمال عبادی مسلمانان و بخصوص موضوع قبله را در دستور روز خویش قرار دادند. یهودان فعالیت های اساسی تبلیغاتی خویش را متوجه آنده از مسلمانان که جدیداً به دین اسلام گرویده بودند، متوجه ساختند. مبلغین یهودی به مسلمانان تازه وارد در دین میگفتند: شما زمانیکه نماز میخوانید چرا روی خویش را به بیت المقدس قبله یهودان میکنید، در حالیکه این قبله مربوط به دیانت یهودی میباشد. یهودان طعنه زنان به مسلمانان میگفتند:

محمد که مدعی نبوت، و میخواهد برای شما دین مستقلی را به ارمغان آورد، و در موعظه های خود میگوید که: دین من دین مستقل است و شرعیت اش ناسخ ادیان و شرایع گذشته میباشد، چطور حاضر میشود که بطرف قبله یهودان سجده ببرد، او تا هنوز قادر نشده است تا برای عبادت شما قبله مستقلی را انتخاب نماید. شنیدن این نوع تبلیغات برای پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیار سخت و در عین وخت ناراحت کننده تمام میشود، شب ها از خانه بیرون می آمد و در انتظار نزول وحی بود که بالاخره وحی آسمانی نازل گردید. صبر و حوصله پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم و نظم خاصی که پیامبر اسلام در تشکیل نظام خاصی حکومتی در مدینه در بین مسلمانان ایجاد کرد، خواست و حکم پروردگار برای این شد که قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی کعبه که قدیمی ترین مرکز توحید و پرسابقه ترین کانون انبیاء الهی علیهم الصلوات بشمار میرفت، تغییر یابد.

مؤرخین مینویسند که: پانزدهم ماه رجب در تاریخ اسلام سالروز تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به خانه کعبه یعنی بیت الله، بشمار میرود.

یک تعداد از اشخاص بدین نظر اند که: «الله در همه جا هست و به هر طرف که رو کنی روی انسان بسوی الله میباشد» و بدین طریق خواسته و قبل از همه نا خواسته میخواهند استدلال نمایند که قبله و تعیین سمت معین بنام قبله برای عبادت و بخصوص برای نماز حتمی و ضروری نمی باشد. در جواب این تعداد از افراد باید گفت: ما هم میگوییم که الله تعالی در همه جا است ولی در همه جا بودن خداوند پاک چیزی است، و رو گردانیدن در وقت عبادت نماز بسوی قبله چیزی دیگری است. بر علاوه این حکم پروردگار و دستور شرع همین است که ما باید در وقت نماز روی خویش را بطرف قبله بگردانیم، و قبله مسلمانان کعبه شریفه میباشد. مسلمانان نه تنها در وقت نماز بلکه در وقت خواب و وفات روی متوفی خویش را بسوی قبله مینمایند.

بنابراین در هنگام خواب سنت است که رو به سمت قبله خوابید. علماء میفرمایند دراز کردن پا به سوی قبله در خواب یا بیداری بدون اشکال است و هیچ نصی برای منع این عمل وارد نشده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم تعلیمات خاصی برای اصحاب خویش در مورد خواب هدایت فرموده اند که محتوی کلی این تعلیمات در حدیثی براء بن عازب بن چنین فورمولبندی گردیده است: «إِذَا أَتَيْتَ مَضْجِعَكَ فَنَوَّضاً وَضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ وَإِذَا أَوَيْتَ عَلَى فَرَشِكَ وَأَنْتَ ظَاهِرٌ فَنَوَّسِدْ يَمِينَكَ» «هر گاه به رختخواب خود رفتی و با وضوء هستی بخواب و دست راست را بالشت خود قرار بده».

همچنان در حدیثی دیگری از براء بن عازب آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «وقتی خواستی به رختخواب بروی مانند وضوی نماز وضو بگیر، و بر طرف راست بدن خود بخواب».

(بخاری (6320)، (7393) و مسلم (2714)).

و سنت است پهلوی راست رو به سمت قبله باشد و سر و پا به سمت مغرب یا مشرق (با توجه به موقعیت فرد نسبت به قبله) باشند. و همانطور که اشاره شد بعداً که فرد خواب رفت اگر جهت او

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

تغییر هم کند ممانعتی ندارد .

بنابراین در هنگام خواب سنت است که رو به سمت قبله خوابید البته منظور این نیست که پاها رو به قبله باشند، بلکه باید شخص بر روی پهلو راست و رو به سمت قبله بخوابد و این امر هم سنت است نه واجب. چه در مسجدالحرام و چه در هر مکان دیگری باشد.

ولی در فقه حنفی، دراز کردن پاها به سمت قبله مکروه میباشد، چه در حالت خواب و چه در حالت بیداری و چه در حالت آمیزش با همسر.

خواننده محترم!

- برخی از علماء در حکمت قرار دادن بیت المقدس بحیث اولین قبله برای مسلمانها و سپس تغییر این قبله بسوی کعبه مینویسند:

رو آوردن بسوی بیت المقدس منحصراً قبله عبادی اول و بعداً تغییر این قبله بسوی کعبه یک امتحان و آزمایش بزرگ الهی برای مسلمانان بشمار بود: «وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ» (سوره بقره : 143) (و ما آن قبله ای را که قبلاً بر آن بودی ، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند ، از آنان که به جاهلیت باز می گردند ، مشخص شوند).

علماء می افزایند: مسلمانها واقعاً در یک آزمایش بزرگی قرار گرفتند، در حالیکه بسوی بیت المقدس نماز میخواندند ، ولی در عین حال دل شان به خانه کعبه دوخته بودند و کعبه را سرمایه معنوی خود می دانستند ، همچنان قابل تذکر است که تغییر دوباره قبله به سوی کعبه باز هم برای مسلمانان کاری آسانی نبود، چرا که مدتی به سوی بیت المقدس منحصراً اولین قبله نماز خواندند و به این قبله تقریباً عادت هم کرده بودند .

ولی مسلمانان توانستند در هر دو آزمایش بخوبی بیرون آیند ، مسلمانان به این عمل طاعتی خویش ، بروح تعصب غلبه یافتند ، و روح اطاعت و فرمانبرداری در آنان تحکیم و تقویه گردید .

محدثین مینویسند که:

بعد از گذشت شانزده ماه یا هم به راویتی هفده ماه از مهاجرت پیامبر صلی الله علیه وسلم ، قبله مسلمانان تغییر یافت.

مستند ترین و اصح ترین قول همین است که تغییر قبله در نماز ظهر در حال بوقوع پیوست که پیامبر صلی الله علیه وسلم دو رکعت نماز ظهر با جماعت خوانده بود ، که یکبار وحی بر تغییر قبله بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل .

پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از وصول وحی در حالیکه مصروف نماز جماعت با مسلمانان بود 180 درجه در صف نماز تغییر قبله داد و روی خویش را از بیت المقدس به سوی کعبه گردانید . از آن جا که بیت المقدس در جهت شمال شهر مدینه بود و مکه در جهت جنوب شهر مدینه موقعیت داشت ، این چرخش معجزه اساء 180 درجه چنین دقیقی بدون کمترین اشتباه بسوی کعبه صورت گرفت ، که تخنیک امروزی هم نمیتواند به این نظم و دقت تغییر جهت دهد ، و طوریکه یاد آور شدیم این تغییر از جهت شمال به جهت جنوب بود.

حکم تغییر جهت قبله در آیه 144 سوره بقره با زیبایی خاصی بیان شد و در آیات 149 و 150 سوره بقره نیز جهت تأکید دوباره این مسأله تکرار یافت ، تا مسلمانان در امر تغییر قبله دقت بعمل آرند ، و کعبه را مورد توجه و استقبال خاص خویش منحصراً دومین قبله قرار دهند.

پروردگار با عظمت ما میفرماید : «و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام وانه للحق من ربک وما لله بغافل عما تعملون » . (و از هر کجا بیرون شدی به طرف کعبه روی آور چون این دستور قبله بر وجه ثواب و به امر خداست و خداوند از کار شما غافل نیست.» (سوره بقره / 149).

و باز میفرماید: «و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا و جوهکم

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

شطره لنلا يكون للناس عليكم حجة الا الذين ظلموا منهم فلاتخشوهم واخشوني و لاتم نعمتی عليكم و لعلمک تهتدون». (و ای رسول از هر جا و به هر دیار بیرون شدی روی به جانب کعبه کن و شما به هر کجا بودید روی بدان جانب کنید تا مردم به حجت و مجادله بر شما زبان نگشایند جز گروه ستمکار که از جدل و گفتگوی آنان هم اصلاً نیندیشید و از نافرمانی من بترسید و به فرمان من باشید تا نعمت و رحمت را برای شما به حد کمال رسانم و باشد که به طریق حق و ثواب راه یابید) سوره بقره آیه 150).

کعبه :

کعبه در بین مسلمانان بنام های : بیت الله ، بیت الله الحرام، بیت العتیق و بیت الحرام شهرت دارد ، علماء میفرمایند که : دلیل نامگذاری کعبه به بیت الحرام این است که خداوند ورود مشرکان را به این مکان مقدس حرام و ممنوع نموده است.

بیت الله الحرام در شهر مکه قرار دارد و در طول تاریخ، مورد احترام همه ادیان ابراهیمی بشمار میرفت ، بنابر آیاتی قرآنی و احادیثی نبوی ، خانه کعبه اولین و مقدس ترین بنا و اولین مسجدی است که بر روی زمین ساخته شده است.

کلمه «مسجد الحرام» در قرآن قرآن عظیم الشان تذکر رفته ، و پروردگار با عظمت ما چندین بار این کلمه را در قرآن ذکر نموده است . « جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْغُرَبَاءُ أَلْبَيْتَ الْحَرَامِ قِيَاماً لِلنَّاسِ ». (خداوند مکه را بیت الحرام و مایه قوام مردم قرار داده است).

برخی از مفسرین مینویسند که ذکر « مسجد الحرام » در قرآن بمنظور است که : ورود مشرکان به این مسجد حرام می باشد.

برخی دیگری از مفسرین میفرمایند که : این مسجد مکانی است که باید مسلمانان در فضای امن و آسودگی خاطر، بدون هراس و ترس در آن رفت و آمد کنند لذا آن را مسجد الحرام نامیده اند یعنی مسجدی که در آن آزار رساندن، ترساندن و ... مسلمانان حرام است.

تعداد دیگری از مفسرین : در علت این نامگذاری مینویسند : « در آن جا پاره ای از اعمال که در دیگر مکان ها جایز است، حرام می باشد مانند : صید و شکار حیوانات و قطع درختانش. »

برخی دیگری از مفسرین در نام گذاری کعبه به « مسجد الحرام » در قرآن عظیمی شان مینویسند که : « حرام از ماده « حرم » و به معنای « مورد احترام » می باشد.

لذا معنای کلمه «مسجد الحرام» این می شود که : خداوند متعال کعبه را مورد توجه قرار داده و

احترام کرده است و به همین منظور بعضی از ماهها را هم حرام کرده و بوسیله حکم به وجوب حج در آن ماهها، بین ماههای حرام و بیت الحرام ارتباط برقرار کرد.

و غرض از همه اینها این است که کعبه را پایه حیات اجتماعی سعیدی برای مردم قرار دهد، و آن را قبله گاه مردم کند، تا در نماز، دل و روی خود را متوجه آن کنند و در هر حال احترامش نمایند و در نتیجه جمعیت واحده ای را تشکیل داده و جمعشان جمع و دینشان زنده و پایدار بماند .

ساحه و مساحت « مسجد الحرام » در بدو بسیار کوچک بود. برای اولین بار امیر المومنین حضرت عمر بن خطاب دستور فرمود تا خانه هایی همجوار کعبه را خریداری ، و بر مساحت مسجد بیافزایند. در زمان حضرت عمر مسجد کعبه دیواری احاطوی نداشت، بناً خلیفه اسلام دستور فرمود تا دور مسجد را چهار دیوار کنند.

بعد در زمان خلافت حضرت عثمان برای مسجد کعبه رواق ساختند و بدین ترتیب قسمت های از مسجد سر پوشیده شد بعد از آن در زمان زعامت ولید (رض) مسجد کعبه با زیبای های خاصی بازسازی شد و ناودان کعبه را با طلا ساخت. از آن زمان تاکنون بارها مسجد الحرام گسترش، ترمیم و مرمت یافته است که همین حالا هم کار ترمیم و توسعه آن با شدت جریان دارد.

رو کردن بسوی قبله :

رو کردن به سمت قبله شرط صحت نماز است، فقط استثنایی که هست برای زمانی است که کسی

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

بصورت سواره نماز نفل بخواند، که در اینحالت ابتدا رو به سمت قبله نماز می خواند و اگر احیانا در حین نماز مرکب وی تغییر جهت داد ایرادی بر آن نیست، اما کسی که سواره موتّر، یا هم ریل و یا هر مرکب دیگری نیست و مثلا در منزل یا مسجد نماز نافله می خواند، بر وی واجب است که بصورت حتمی روی خویش را بطرف قبله نماید، در غیر آن نماز اش صحیح نمیگردد. استاد سید سابق رحمه الله در کتاب « فقه السنة » مینویسد:

« باتفاق علماء واجب است که نمازگزار بهنگام نماز رو به سوی مسجدالحرام داشته باشد، زیرا خداوند متعالی می فرماید: «قَوْلَ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ» (البقرة: 144). «روی خود را (در نماز) به سوی مسجدالحرام بگردان، و هر جا بودید (در نماز) روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردانید».

از حضرت براء روایت شده است: «با پیامبر صلی الله علیه وسلم شانزده ماه یا هفده ماه به سوی بیت المقدس نماز گزاردیم سپس رو سوی کعبه گرداندیم». مسلم آن را روایت کرده است. طوریکه قبلاً یاد آور شدیم رو گردانیدن در وقت نماز بسوی قبله فرض بوده، و مواردی در شرع وجود دارد که حکم فرضیت آن ساقط میگردد.

بطور مثال: خواندن نماز «نفل» و سنت، برای کسی که سواره سواره بر وسایل ترانسپورتنی باشد، از جمله: (مرکب، موتّر، کشتی، طیاره و یا سایر وسایل ترانسپورتنی). علماء میفرمایند که حتی حکم رکوع و سجده سوار بر وسایل ترانسپورتنی تغییر یافته، نماز گزار میتواند رکوع و سجود را با ایما (سر به جلو خم نمودن) انجام دهد، که البته برای سجده سرش را کمی بیشتر خم می نماید.

در حدیثی از: عامر ابن ربیع روایت است که میفرماید: «پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدم که بر پشت مرکب خود (نماز می گزارد) به هر جهت که می رفت و با سر ایما می فرمود» مسلم و بخاری آن را روایت کرده اند، ولی در نمازهای فرض این عمل را انجام نمی دادند».

فضیلت روی آوردن به قبله:

در مورد فضیلت روی آوردن به سوی قبله در حدیثی که از حضرت انس بن مالک (رضی الله عنه) روایت شده آمده است که: پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسیکه مانند ما نماز خوانده، و به قبله ما روی آورده، و ذبح دست ما را بخورد، مسلمان است که در عهد و امان الله و رسول او است، پس عهد و امان خدا را درباره اش نشکنید. (رواء البخاری 391). طوریکه در فوق یاد آور شدیم، در نماز رو برو قبله (بیت الله شریف) استاده شدن فرض است اگر کسی در وقت نماز خواندن روی خود را به دیگر طرف بگرداند به حکم شرع نمازش باطل است، و اگر در دشت، صحرا، جنگل و یا در بین کوهها باشید و جهت قبله برایش معلوم نباشد، و کسی دیگری هم نباشد که برایش رهنمائی نماید درینصورت به هر طرفیکه قلب انسان گواهی دهد باید همان طرف نماز بخواند.

چرا باید بسوی قبله روی گردانیم؟

در بدو باید گفت که ما چرا در نماز روی خویش را بسوی قبله بگردانیم؟ در جواب این سوال با سادگی میتوان گفت که این امر پروردگار است و باید در انجام عبادی مطابق نصوص شرعی باید عمل صورت کرد.

پروردگار با عظمت ما در باره روی نمودن به سوی قبله فرموده است: «قَوْلَ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ...» (سوره بقره: آیه 144) «وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...» (سوره بقره آیه 150)

همچنان پیامبر صلی الله علیه و سلم هدایت فرموده اند که: «اذا قمت الى الصلاة فاسبغ الوضوء ثم استقبل القبلة، فکبر...» (بخاری: ۲۳۰۷/۵، شماره ۵۸۹۷) و مسلم: ۱۰۵/۴، شماره ۳۹۷) و ابوداود: ۱۹۷/۱) هر گاه برای نماز به پا خاستی، پس وضو را کامل بگیر، سپس رو به قبله

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

بایست، و نیت کن و تکبیر تحریم بگو...)

وباز میفرماید: «صلوا کما رأیتُمونی اصلی» (بخاری: ۲۲۶/۱، دارمی: ۲۸۶/۱ و احمد: ۵۳/۵).
(نماز بگزارید همچنان که می بینید من نماز می گزارم.) پیامبر صلی الله علیه وسلم رو به قبله می ایستاد و نماز می گذارد. پس مسلمانان ملزم هستند به طریقه که پیامبر نماز گزارده، نماز بگزارند.

دین اسلام نظم را به پیروانش می آموزد و از ایجاد تفرقه و اختلاف به آنان رادر حذر داشته است. مشخص شدن قبله و تعیین کعبه به عنوان قبله، یک نوع ایجاد نظم و هماهنگی در میان مسلمانان است، که همگی متحد به یک سمت و سو می ایستند و مهم ترین عبادت ها را که نماز است، به آن سمت می گزارند. تصور کنید اگر قبله ی واحدی وجود نداشت، نماز جماعت با آن همه تأکید بر برپایی آن چگونه برگزار می شد؟ هر فرد به جهتی نماز می گزارد و آن نظم و انسجام زایل می شد! با تعیین قبله واحد نمازگزار از هر کنج دنیا که زندگی میکند در وقت نماز با تمام بدنش بسوی قبله متوجه می گردد.

شیخ البانی در کتاب (صفات نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم) در مورد توجه نماز گزار بسوی قبله مینویسد:

ای مسلمان! هر گاه برای نماز برخاستی، در هر جا که هستی، در نمازهای فرض و سنت بسوی کعبه روی آور، و رو کردن بسوی قبله رکنی از ارکان نماز است که بدون بجای آوردن این رکن نماز درست نخواهد بود.

ولی در میدان جنگ و ترس، رو به قبله نمودن ساقط می گردد.

شیخ البانی می افزاید:

و همچنین (رو کردن به قبله) از کسی که توانایی آنرا نداشته باشد مثل: مریض، و کسی که سوار بر کشتی، موتر و یا طیاره است و بیم آن می رود که وقت نمازش فوت گردد، ساقط می شود. و کسی که سوار یا مسافر در موتر و یا طیاره بود و نماز نقل یا وتر می خواند رو به قبله ایستادن از وی ساقط می گردد.

ولی هنگام تکبیر اول رو به قبله نماید مستحب است، سپس به هر سمتی که مسیرش هست، برود بلا مانع است.

و هر کسی که کعبه (بیت الله) را می بیند بر وی واجب است که بسوی آن رخ نماید و اما اگر کعبه را نمی بیند رو کردن به جهت آن کافی است.

حکم اشتباه در نماز خواندن بطرف غیر قبله:

اگر کسی به علت ابری بودن هوا و یا هم به علت دیگری بعد از تلاش و جستجو به سمت غیر قبله نماز خواند، به حکم شرع نمازش درست است، و بر وی اعاده نماز لازم نیست.

و اگر کسی در حال نماز خواندن اشتباه کرده بود و شخصی که به وی اعتماد دارد، آمد و او را از جهت قبله آگاه ساخت در این صورت بر وی لازم است که بی تردید به سمت قبله روی نماید، و نمازش درست است.

اختلاف در تعیین قبله:

طوری که که گفتیم استقبال قبله، یعنی رو به سمت قبله، از شروط صحت نماز است، و بر هر نمازگزاری واجب در جهت قبله نماز بگذارد، لذا باید جهت را بیابد؛ چه از طریق نشانه ها و علائم باشد و یا هم ابزارهای مرتبط با آن، و یا از اهل آن محل بپرسد، کسانی که اهل ثقه و نماز هستند.

حال اگر کسی نماز بخواند، سپس برایش معلوم شود که در جهت قبله نماز نخوانده است؛ در آنصورت دو حالت ممکن است پیش آید:

حالت اول:

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

اگر انحراف وی از جهت قبله اندک باشد (حداکثر 45 درجه) این انحراف ضرری به نمازش نمی‌رساند و نماز او باطل نیست، زیرا برکسی که در مسافت دور از کعبه است تنها واجب است که در جهت آن بایستد و مشروط نشده که دقیقاً رو به کعبه باشد، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حق اهالی مدینه فرمود: « ما بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ قِبْلَةٌ » ترمذی (342) وابن ماجه (1011). یعنی: «فاصله ی بین مغرب و مشرق قبله است».

امام صنعانی در « سبل السلام » (260/1) می‌گوید: «حدیث بر آن دلالت دارد که استقبال جهت قبله واجب است، نه عین کعبه، البته در حق کسی که عین کعبه بر وی ناپیدا باشد».

و ترمذی (344) از ابن عمر رضی الله عنه نقل کرده که گفت: «إِذَا جَعَلْتَ الْمَغْرِبَ عَن يَمِينِكَ وَالْمَشْرِقَ عَن يَسَارِكَ فَمَا بَيْنَهُمَا قِبْلَةٌ إِذَا اسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَةَ». یعنی: «اگر مغرب در سمت راست و مشرق در سمت چپ تو باشد، ما بین آن دو قبله است؛ هرگاه رو به قبله ایستادی».

شیخ ابن عثیمین می‌گوید: «و به این ترتیب خواهیم دانست که امر واسع است، پس اگر شخصی را مشاهده کردیم که با اندکی انحراف نسبت به راستای کعبه نماز می‌گذارد، این امر ضرری ندارد، زیرا او در جهت قبله است».

« الشرح الممتع » (273/2) .

دوم:

اگر انحراف وی از جهت قبله زیاد باشد، طوریکه در جهت مخالف کعبه نماز خوانده باشد، مثلاً قبله در پشت سر یا سمت راست یا چپش واقع شده باشد، در آنصورت حکم شرع چنین است:

1- اگر آن شخص برای یافتن جهت قبله تلاش کرده باشد، در آنصورت بر وی لازم نیست که نمازش را تکرار کند، زیرا آنچه بر وی بوده را اداء کرده، و الله متعال می‌فرماید: « فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ » (سوره تغابن آیه: 16). یعنی: «پس به اندازه ای که می‌توانید تقوای الهی را پیشه کنید».

و در « فتاوی اللجنة الدائمة » (314/6) آمده: «اگر نمازگزار در یافتن جهت قبله اجتهاد کند و سپس نمازش را بخواند، بعداً برایش روشن شود که اجتهادش اشتباه بوده، نمازش صحیح است».

2- اما اگر برای یافتن جهت قبله اجتهاد و تلاش نکند، در آنصورت بایستی نمازش را تکرار کند. شیخ ابن عثیمین در « الشرح الممتع » (287/2) چنین حکم نموده است: «اگر نمازش را بدون اجتهاد یا تقلید بخواند، اگر (جهت قبله) خطا باشد باید نمازش را تکرار کند، و اگر هم صحیح بود نیاز به تکرار نیست».

و منظور از تقلید: یعنی درباره جهت و سمت قبله از شخص معتمدی بپرسد و به مقتضای قول او عمل نماید.

یادداشت فقهی:

اگر وضع طوری پیش آید که نماز گزاران در تعیین قبله اختلاف داشته باشند و هرکس به هر جهتی نماز بخواند، حکم آن در شرع چیست؟

حکم این مساله با دقت زیبایی در حدیثی از جابررضی الله عنه طوری بیان گردیده است: می‌گویند، روزی ما با رسول الله صلی الله علیه وسلم همسفر بودیم، هوا سخت غبارآلود بود، در تعیین جهت قبله، با یکدیگر اختلاف نظر پیدا کردیم. هر یک از ما به جهتی نماز گزارد و در همان جهت خطی بر روی زمین کشید، بعد از اینکه هوا روشن شد. متوجه شدیم که خلاف جهت قبله نماز خوانده ایم. از رسول الله صلی الله علیه وسلم کسب تکلیف کردیم. ایشان به هیچ یک از ما دستور نداد که نماز را اعاده کنیم بلکه فرمود: نماز همه شما درست است (روایت دارقطنی و بیهقی و حاکم).

ترک روی آوردن به قبله:

حالت‌هایی که نماز خواندن بدون رو کردن به سوی قبله جایز و صحیح می‌باشد عبارتند از: سه

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

حالت است که ذیلاً بدان اشاره مینمایم :

حالت اول:

اگر نمازگزار عاجز و ناتوان باشد، مانند مریضی که رو به غیر قبله است و نمی تواند روی خویش را طرف قبله بگرداند، در اینحالت به اتفاق همه ای علماء وجوب استقبال قبله از دوش وی ساقط خواهد شد، به دلیل فرموده الله متعال: « فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ » (تغابن 16). یعنی: «به اندازه ای که می توانید تقوای الهی پیشه کنید».

و همچنان در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «فَإِذَا نَهَيْتُمْ عَنْ شَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ، وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ». بخاری (7288) و مسلم (1337). یعنی: «هر وقت شما را از چیزی منع کردم از آن دوری کنید، و هر وقت به شما دستور دادم کاری را انجام دهید، آنرا به اندازه توانایی انجام دهید».

حالت دوم:

اگر در شدت خوف و ترس باشد، مانند کسی که از دشمن یا حیوان درنده ای فرار می کند، و یا از جریان سیل می گریزد تا مبادا غرق شود، در اینحالت در هر جهتی که باشد می تواند نمازش را بخواند، به دلیل این حکم قرآنی: « فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَاتًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ » (سوره بقره آیه 239). «و اگر (به خاطر جنگ، یا خطر دیگری) بترسید، (نماز را) در حال پیاده یا سواره انجام دهید! اما هنگامی که امنیت خود را بازیافتید، الله را یاد کنید! (نماز را به صورت معمولی بخوانید) همانگونه که خداوند، چیزهایی را که نمی دانستید، به شما تعلیم داد».

آنجا که می فرماید: « فَإِنْ خِفْتُمْ: و اگر بترسید » عام است و شامل هر ترسی می شود. و آنجا که می فرماید: « فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ: » هنگامی که امنیت خود را بازیافتید، خدا را یاد کنید دلالت دارد که هر ذکری که انسان بخاطر ترس ترک کرده، ایرادی ندارد، و از جمله: استقبال قبله.

علاوه بر این (آیه: 16 سوره تغابن) و حدیث فوق نیز که برای حالت اول ذکر شد، برای اینجا هم صدق می کند.

حالت سوم:

نماز نوافل (سنت) در مسافرت؛ چه با طیاره باشد یا موتر و یا سوار بر شتر یا هم اسب، می تواند نماز سنت را در هر سمتی که قرار دارد بخواند، و منظور از نوافل یعنی: نماز وتر یا ضحی یا رواتب و غیره..

و خواندن تمامی نوافل برای انسان مسافر مستحب است، بجز نماز راتبه ظهر و مغرب و عشاء که ترک آنها اولاتر است. هرگاه در حال سواره بود و خواست نماز سنت را بخواند، می تواند روی خویش را به هر جهتی که نشسته نمازش را بخواند، و این امر از رسول الله صلی الله علیه وسلم در بخاری و مسلم ثابت شده است.

تلاش برای دست یابی به قبله:

قبل از همه باید گفت که تلاش غرض یافتن قبله بر نماز گزار واجب میباشد، اما بادر نظر داشت تلاشی که بعمل آورد، و نماز خواند. ولی بعد از نماز خواندن متوجه شد که در تعیین قبله اشتباه کرده، تکرار نماز بر او لازم نمی باشد.

ولی نمی گونیم استقبال قبله بر او واجب نیست، بلکه بر او واجب است برای یافتن جهت قبله به قدر توانش اجتهاد و تلاش خویش را باید بخرچ دهد، و اگر در اینحالت بعد از نمازش متوجه شد اشتباه تشخیص داده لازم نیست نمازش را تکرار کند، زیرا (در داستان تغییر کعبه) آن دسته از صحابه که به آن آگاه نشده بودند، و مصروف نماز خواندن در مسجد قباء بودند، مردی نزد آنها آمد

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

و گفت: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ أُتِرَ عَلَيْهِ اللَّيْلَةَ قُرْآنًا، وَقَدْ أُمِرَ أَنْ يَسْتَقْبِلَ الْكَعْبَةَ، فَاسْتَقْبَلُوهَا وَكَانَتْ وُجُوهُهُمْ إِلَى الشَّامِ، فَاسْتَدَارُوا إِلَى الْكَعْبَةِ». بخاری (403) و مسلم (526). یعنی: «امشب قرآن بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم نازل شده و خداوند دستور داده است که رو به کعبه نماز بخواند، فوراً مردم به سوی کعبه روی آوردند، و در حالی که رو به شام (بیت المقدس) ایستاده بودند، به طرف کعبه تغییر جهت دادند». و این در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم روی داده و انکاری از جانب ایشان نشده، لذا این امر مشروع است، یعنی هرگاه کسی به دلیل نا آگاهی جهت قبله را اشتباه تشخیص دهد، تکرار نماز بر او لازم نیست، ولی هرگاه جهت آن برایش مشخص شد باید رو به آنجا بایستد حتی اگر در اثنای نمازش باشد. «مجموع فتاوی ابن عثیمین» (435-433/12).

منبر در مسجد:

اکثریت مطلق از زبانشناسان زبان عربی، اصطلاح منبر را از ریشه عربی «نَبَرَ» به معنای عالی و بلند معرفی داشته اند.

ابن منظور می‌گوید: «محل ایراد خطبه توسط خطیب را به دلیل بلندی آن، منبر می‌گویند.» منبر محل است که خطبه یا خطابه از آن ایراد می‌شود.

خطابه نیز عبارت از سخنی است که در برابر جمع برای اقناع و برانگیختن آنان ایراد می‌شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از اینکه اولین مسجد را در شهر مدینه بدست های مبارک خویش بنیاد نهاد بر مکان‌های بلند می‌ایستاد و مردم را مخاطب قرار می‌داد و احکام و هدایت الهی را برای مسلمانان می‌رساند. این وضع آهسته آهسته با ساخت مسجد، منبر به عنوان ابزاری ساده برای برقراری این ارتباط و ابلاغ پیام جدید، در کنار محراب مساجد بنا شد.

اهمیت منبر در دوره اسلامی با جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی پیوند دارد. مسجد که در مقایسه با کلیسا سادگی بیشتری دارد، در عین حال نقش اجتماعی آن پرننگتر به نظر می‌رسد. در منبر و بخصوص ایام جمعه موعظین مسلمانان و نمازگزاران را با وعظ‌های دینی خویش در مسجد امور جاری و مهم مطلع می‌سازند و به راه انداختن مباحث و دروس علمی مباحثات فکری و عقیدتی در ارتقا سطح فکری نقش اساسی دارد.

در منبر نه تنها دروس اسلامی، عقیدوی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پیش برده می‌شد، بلکه سازماندهی امور نظامی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌گرفت. طوریکه گفتیم منبر در دوره اسلامی دو کارکرد اساسی اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی را به عهده داشت که به عنوان رسانه‌ای با نفوذ، نقش بارزی ایفا می‌کرد. منبر مسجد بعد ها به محل مراسم بیعت خلفاء تبدیل شد، طوریکه خلیفه به منبر می‌نشست و حلف وفاداری و سوگند یاد می‌کرد و اولین خطبه و یا به اصطلاح امروزی خط مشی دولتی و امارت اسلامی خویش را از منبر مسجداعلام می‌داشت.

علماء که در این عرصه به تحقیق پرداختند، بدین نتیجه رسیده اند، که منبری بشکل امروزی اصلاً در زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم و قرن اول هجری وجود نداشته، بلکه شکل منبر امروزی از قرن دوم هجری به بعد در مساجد توسط مسلمانها مروج گردید. منبر در ذات خود نشانه ای است برای تعیین قبله بخصوص برای آن‌عده از نمازگزاران که جدیداً وارد مسجد می‌گردند. انجمن دائمی علماء سعودی در جواب سوالی که در مورد محراب مسجد از ایشان بعمل آمده طی فتاوی نوشته اند: «المحراب فی المسجد، هل کان علی عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم؟» (آیا در زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم محراب در مسجد، وجود داشت؟)

در جواب گفتند: «لم یزل المسلمون یعملون المحاریب فی المساجد فی القرون المفضلة وما بعدها؛ لما فی ذلك من المصلحة العامة للمسلمین، ومن ذلك بیان القبلة، وإيضاح أن المكان مسجد» انتهى. (فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء 252 / 6، 253).

«هنوز مسلمانان در قرون فاضله و بعد از آن در مساجدشان محراب می‌ساختند، از آنجاییکه برای مسلمانان مصلحت عمومی داشت، من جمله مشخص نمودن قبله، و نشان دادن آنجا مسجد هست».

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

تعدادی از مسلمانان طی سؤالی در مورد محراب از شیخ بن عثیمین پرسیده اند : «عَدَّ بعض أهل العلم المحارِب فی المساجد من البدع ومن التشبه بالكافرين ، فهل هذا القول صحيح ؟» (بعضی از اهل علم محراب مساجد را بدعت میدانند و آنرا از تشابهت به کفار میدانند، آیا این صحیح است؟)

شیخ بن عثیمین در جواب فرمودند : «هذا القول ، فیما أرى ، غير صحيح ؛ وذلك لأن الذين يتخذونه إنما يتخذونه علامة على القبلة ، ودليلاً على جهتها وما ورد عن النبي صلى الله عليه وسلم عن اتخاذ مذابح كمذابح النصارى : فإن المراد به أن نتخذ محارِب كمحارِب النصارى ، فإذا تميزت عنها زال الشبه « انتهى . (مجموع فتاوی الشیخ ابن عثیمین) (12 / السؤال رقم 327) .

(این قول از نظر من صحیح نیست، زیرا آنهایی که آنرا میسازند مقصودشان علامت و جهت قبله است، و روایتی که از پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد نهی از ساختن محراب مانند محرابهای نصاری وارد شده است، منظور اینست که نهی از ساختن محراب مانند محرابهای نصاری است، ولی اگر طور دیگری ساخته شود شباهت از بین میرود».

ولی ناگفته نماند که برخی از علماء اسلام از جمله عالم شهیر جهان اسلام شیخ البانی و غیره ساختن محراب در مساجد را بدعت میدانند، بدلیل روایتی که آنرا صحیح میدانند و میگوید پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « اتقوا هذه المذابح» (روایت طبرانی و بیهقی - صحیح الجامع 120)، و میگویند که هدف کلمه «مذابح» در این حدیث یعنی «محراب» است .

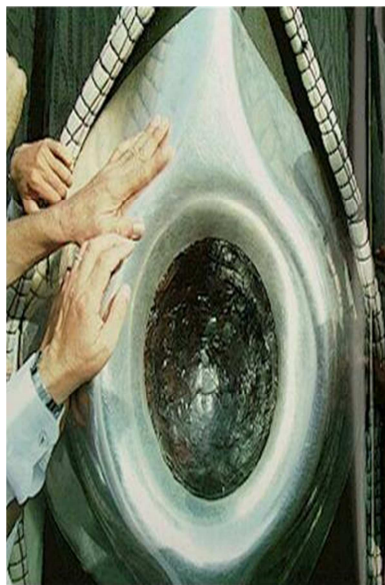
ولی به جواب این تعداد علماء باید با تمام صراحت گفت که : معنای « مذابح» «محراب مسجد» نیست، بلکه منظور نشستن در « صدر مجالس» هست زیرا ممکن است یک شخص را به ریاء و یا عجب و غرور بکشاند. هیثمی در « مجمع الزوائد» گفت: محارِب یعنی « صدور مجالس»، و ابن الاثیر در « النهاية» گفت:

« محراب یعنی جای بلند، و همچنین صدر مجلس، و از آنجا محراب مسجد نیز نامیده شده، زیرا در صدر مسجد قرار دارد».

بنابراین از لحاظ شرعی کدام ممانعتی وجود ندارد که در مساجد محراب ساخته شوند و این عمل از جمله بدعت نمی باشد.

زاویه کشور های جهان بسوی قبله شریف:

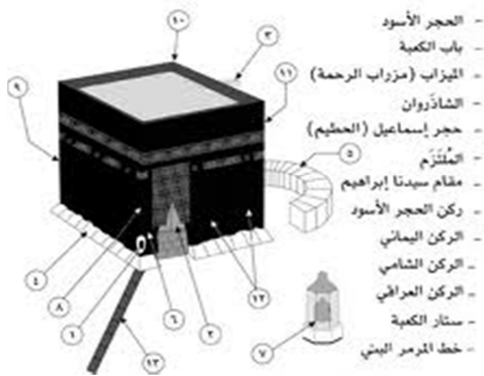
هیچ مکانی در دنیا، مانند کعبه، این چنین مورد توجه، علاقه، احترام و تکریم عالم بشریت قرار



نگرفته است. مسلمانان در سراسر جهان، روزی پنج بار رو به کعبه، این مکان مقدس نموده و نماز می گزارند، سر تعظیم خم کرده، پیشانی بر خاک می نهند و تمام آرزویشان زندگی اش این است که روزی برسد تا به زیارت بیت الله و مراسم حج و عمره، به دیدار کعبه بروند و خدا را عبادت کنند و چمش اش به دیدار بیت الله مشرف گردد.



ایستاده شدن بسوی قبله در نماز



خوانندگان محترم!

کعبه دارای 4 رکن میباشد که بترتیب عبارتند از:

- رکن الاسود (رکن سیاه):

این رکن به علت به این نام مسمی گردیده که سنگ حجر الاسود در همین رکن قرار دارد، این نزدیکترین قسمت کعبه است که به دروازه کعبه قرار دارد.

حجاج آغاز طواف خویش را از همین رکن آغاز مینمایند. ناگفته نباید گذاشت این رکن را بنام رکن « شرقی » نیز مسمی مینمایند - رکن عراقی:

علت نامگذاری این رکن کعبه به رکن عراقی به دلیل است که این

رکن به سمت عراق موقعیت دارد. و ناگفته نباید گذاشت که در وازه کعبه بین رکن عراقی و رکن حجر الاسود قرار گرفته است، قابل تذکر است که: رکن عراقی بنام رکن « شمالی » نیز یاد میشود چرا که این به سمت شمال قرار گرفته است.

- رکن شامی:

این رکن به علت بدین نام مسمی شده است که: به سمت شام و مغرب قرار گرفته است، و بین این رکن و رکن عراقی « حجر اسماعیل » قرار گرفته شده، و به آن رکن « غربی » نیز میگویند. - رکن یمانی:

به علت بدین نام مسمی شده است، به علتی که به طرف یمن قرار گرفته شده.

خواننده محترم!

در تصویر هذا قبله کشور های جهان در زوایای مختلف خانه کعبه ترسیم گردیده است، ولی ما در اینجا صرف از کشورهای نام میبریم که قبله شان در زاویه خط مستقیم حجر الاسود خانه کعبه قرار دارد.

این کشور ها عبارتند از:

قطر

امارت

بحرین

پاکستان

افغانستان

تاجکستان

چین منگولیا

وکشور کوریا

خواهر و برادر مسلمان!

این فضل و مرحمت که پروردگار با عظمت بر کشور ما نموده که قبله کشور ما دقیق در زاویه حجر الاسود خانه کعبه قرار گرفته خداوند به توفیق نصیب نماید که: طاعت و عبادت خویش را با تمام اخلاص و با نیت پاک بسوی کعبه و حجر الاسود این سنگ آسمانی و جنتی بعمل آریم. پروردگار با عظمت طاعت و عبادت مارا به دربار خویش قبول فرما ید. امین یا رب العالمین.

قبله ملایکه:

در شریعت اسلامی آمده است که: ملایکه مانند انسانهای روی زمین مکانی مشابه به کعبه را در آسمان دارا میباشد که به دور آن مصروف طواف هستند، و قرآن عظیم الشان این مکان را به « بیت المعمور » مسمی نموده و محل آنرا در آسمان هفتم معرفی داشته است.

قرآن عظیم الشان میفرماید: در آسمان هفتم فرشتگان کعبه ای دارند که در آنجا مراسم حج خود را بجا می آورند. این کعبه بیت المعمور نام دارد و در سوره ی « طور » و پروردگار با عظمت ما به آن چنین سوگند یاد کرده است

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

: « وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ » (سوره طور: آیه 4)

امام ابن کثیر در تفسیر این آیه مینویسد :
 «... ثُمَّ رَفَعَ لِي الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ فَقُلْتُ يَا جَبْرِيلُ مَا هَذَا قَالَ هَذَا الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ يَدْخُلُهُ كُلُّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ إِذَا خَرَجُوا مِنْهُ لَمْ يَعُودُوا فِيهِ أَحْرَ مَا عَلَيْهِمْ » «سپس بیت المعمور را به من نشان دادند گفتم: ای جبریل این چیست؟ گفت: این بیت المعمور است. هر روز هفتاد هزار ملائکه داخل آن می شوند و هنگامی که از آن خارج می شوند دیگر برای بار دیگر در آن باز نمی گردند». (بخاری (3207) ، ومسلم (164)).

یعنی این فرشتگان در بیت المعمور عبادت می کنند و مانند اهل زمین که کعبه ای خود را طواف می کنند؛ بیت المعمور کعبه ای ساکنان آسمان هفتم است.

از این رو رسول الله صلی الله علیه وسلم ابراهیم خلیل علیه السلام را آنجا دید که به دیوار آن کعبه تکیه زده و نشسته بود. زیرا او بنیانگذار کعبه ای زمین است، و پاداش از نوع و جنس عمل است.

امام ابن کثیر در باره ی نقطه ی وقوع بیت المعمور می فرماید: « بیت المعمور در مقابل و به موازات کعبه قرار دارد، و اگر بیفتد روی کعبه ای مکه می افتد، و یادآور شده که در هر آسمانی خانه ای وجود دارد که ساکنان آسمان در آن عبادت می کنند، و خانه ای که در آسمان دنیا است (بیت العزّة) نام دارد.

روایت ابن کثیر مبنی بر اینکه بیت المعمور در موازات کعبه قرار دارد، در واقع از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده است.

ابن جریر (رض) از طریق خالد بن عرعره نقل کرده و می گوید: شخصی از حضرت علی رضی الله عنه سؤال کرد: بیت المعمور چیست؟ حضرت علی در جواب فرمود: « بیت فی السماء یقال له الضراح بحیال الکعبه من فوقها، حرمته فی السماء کحرمة هذا فی الأرض یصلی فیہ کلّ یوم سبعون الف ملک و لا یعودون الیه أبداً ». (ابن حجر: فتح الباری: 308/2). یعنی: خانه ای است که در آسمان هفتم در موازات خانه ی کعبه قرار دارد و ، بیت معمور در آسمان چنان مورد احترام است که خانه ی کعبه در زمین مورد احترام است. هر روز هفتاد هزار مائکه آن را زیارت می کند، و تا پایان عمر فرشتگانی که یک بار وارد آن شدند دیگر نوبت زیارت به آنها نمی رسد. شیخ ناصر الدین البانی جز عرعره سائر رجال این سند را ثقه دانسته است، و در رابطه با عرعره می گوید: او مستور الحال است... و آلبانی یادآور شده که روایت صحیح مرسل شاهد این روایت است و می فرماید: قتاده می گوید: برای ما نقل شده که روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم از اصحاب پرسید: « آیا می دانید بیت المعمور چیست؟ صحابه عرض کردند: خدا و رسولش بهتر می دانند. فرمود: بیت المعمور مسجدی در آسمان که کعبه زیر آن قرار دارد، بگونه ای که اگر بیفتد روی کعبه می افتد... ». سپس محقق (البانی) گفت: « خلاصه ی سخن اینکه جمله « حیال الکعبه » با توجه به کثرت طُرُق حدیث ثابت است و صحت آن از لحاظ اصول علم حدیث مورد تایید است ». (برای معلومات مزید مراجعه فرماید به: « سلسلة الأحادیث الصحیحة » شماره 477)

نماز خواندن پیامبر اسلام بر منبر:

سیرت نویسان مینویسند که پیامبر صلی الله علیه وسلم غرض آموزش و تعلیم نماز برای مسلمانان در مسجد نبوی، روزی بر سر منبر رفت ، و آغاز به تعلیم نماز برای مسلمانان نمود.

تفصیل این روایت در حدیثی سهل بن سعد الساعدی بشرح ذیل چنین بیان گردیده است :

« عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ : رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَامَ عَلَيْهِ فَكَبَّرَ ، وَكَبَّرَ النَّاسُ وَرَأَاهُ ، وَهُوَ عَلَى الْمَنْبَرِ ، ثُمَّ رَفَعَ فَنَزَلَ الْفَهْقَرَى ، حَتَّى سَجَدَ فِي أَصْلِ الْمَنْبَرِ ، ثُمَّ عَادَ حَتَّى فَرَعَ مِنْ آخِرِ صَلَاتِهِ ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ ، فَقَالَ : أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّمَا صَنَعْتُ هَذَا لِتَأْتُمُوا بِي ، وَلِتَعْلَمُوا صَلَاتِي. وَفِي لَفْظٍ : صَلَّى عَلَيْهَا ، ثُمَّ كَبَّرَ عَلَيْهَا ، ثُمَّ رَكَعَ وَهُوَ عَلَيْهَا ، ثُمَّ نَزَلَ الْفَهْقَرَى . »

(دیدیم که پیامبر صلی الله علیه وسلم ابتدا، روی منبر قرار گرفت و تکبیر گفت، مردم نیز تکبیر گفتند و اقتدا نمودند، سپس همان جا به رکوع رفت و بعد از اینکه سر از رکوع برداشت، (از منبر) پایین آمد و سجده نمود، آنگاه (برای رکعت دوم، به منبر) برگشت و در این رکعت نیز همان روش رکعت اول را در پیش گرفت تا اینکه نماز را به اتمام رساند سپس خطاب به مردم فرمود: «یا ایها الناس! ائی صنعت هذا لتاتموا بی و لتعلموا صلاتی» (متفق علیه)

(ای مردم! من چنین کردم تا شما به من اقتدا نموده و شیوه نماز مرا بیاموزید). **پایان**

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

فهرست مندرج

- علل ممکنه در تغییر قبله
- کعبه
- رو کردن بسوی قبله
- فضیلت روی آوردن به قبله
- چرا باید بسوی قبله روی گردانیم؟
- حکم اشتباه در نماز خواندن بطرف غیر قبله
- اختلاف در تعیین قبله
- ترک روی آوردن به قبله
- تلاش برای دست یابی به قبله
- منبر در مسجد
- زاویه کشور های جهان بسوی قبله شریف
- قبله ملایکه
- نماز خواندن پیامبر اسلام بر منبر

ایستاده شدن بسوی قبله در نماز

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »
ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com

strategicstudies@yahoo.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**